

Noor Asharaf

Assistant Professor (Guest Faculty)

Dept. of Persian, MMHAPU, PATNA

Email: ashrafjnu@gmail.com

## E-Content

Sem-1, Paper code: 103

Persian (M A)

Topic: Persian literature during the Pahlavi Dynasty, Cont...

---

شعر معاصر که تحولی عظیم در شعر فارسی ایجاد کرد و بحث‌های فراوانی را نیز در محافل ادبی برانگیخت جریان حقیقی تغییر سبک بود که توسط علی اسفندیاری موسوم به نیمایوشیج بنیان نهاده شد و شعر نو نام گرفت. در شیوه شعر نو، شعر فارسی در هر سه سطح زبان و فکر و ادبیات به تحولی بنیادی دست یافت و از شعر سنتی کاملاً متمایز گشت. با توجه به اینکه در مباحث گوناگون تاریخ ادبیات ایران بعد از اسلام انواع سبک‌های شعر فارسی سنتی اعم از خراسانی، عراقی و هندی و حتی دوره مشروطیت مورد بررسی قرار گرفته است در این بخش بیشتر به سبک شعر نو پرداخته می‌شود. شعر نو انشعابی از شعر سنتی است که دارای تفاوت‌هایی کاملاً بنیادی با آن می‌باشد. این سبک در پی شور نوگرایی که از زمان شاعرانی همچون میرزاده عشقی و دهخدا و ملک الشعراء بهار و ایرج میرزا آغاز شده بود بوجود آمد و نیمایوشیج با سرایش اولین اشعار نو به این سبک نوین جامه تحقّق بخشید. مشخصه‌های اصلی شعر نو ایجاد نوعی نوگرایی در زبان شعر فارسی بود که آن را کلاً از سبک سنتی شعر فارسی جدا ساخت. این نوگرایی که در قالبی رمانتیک صورت پذیرفت سه شیوه را پدید آورد که از این طریق شاعران نه تنها با واژه حرف می‌زدند بلکه در کلام نقاشی می‌کردند و با واژه‌ها نمایش می‌دادند. شیوه‌های فعلی رایج در شعر نو عبارت است از: \* شعر آزاد \* شعر سپید \* شعر موج نو.

شعر آزاد یکی از شیوه‌های مهم شعر نو است که برخی از بزرگان سبک شعر نو همچون نیمایوشیج، مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد و سهراب سپهری هر یک با آهنگ خاص خود به آن تاسی جسته‌اند.

در این شیوه جای قافیه‌ها مشخص نیست و شعر وزن عروضی دارد. \* شعر سپید دیگر شیوه مهم شعر نو است که احمد شاملو در آن سبک داد سخن داد و به نوعی آن را رایج ساخت. در شعر سپید جای قافیه‌ها مشخص نیست ولی شعر آهنگین و موزون است و وزن عروضی ندارد. شعر موج نو دشوارترین شیوه رایج در شعر نو است به گونه‌ای که شعر نه تنها وزن عروضی ندارد بلکه معمولاً آهنگین نیز نیست و قافیه هم ندارد. شعر موج نو را می‌توان نوعی نثر دانست که در ارائه مطالب ونحوه خاص بیان و بطور کلی تخیل شعری از نثر فارسی متمایز می‌گردد. از بین سه شیوه مزبور، شعر آزاد در بین شاعران نوگرا مقبولیت و جذابیت بیشتری دارد و زیباترین و هنرمندانه‌ترین اشعار شعر نو به این روش سروده شده است.

محمد تقی ملک الشعراى بهار، فرزند صبوری شاعر در 1304ه.ق. در شهر مشهد به دنیا آمد. لقب ملک الشعرا را مظفرالدین شاه پس از وفات پدر به وی داده بود. ادب فارسی را نزد پدر و محضرادیب نیشابوری آموخت. بهار در مشهد به انتشار روزنامه نوبهار و بعد از آن تازه بهار اقدام کرد که هر دو توقیف شد. بهار به آزادی خواهان پیوست و شعر خود را وقف ستایش از آزادی کرد. به نمایندگی مجلس برگزیده شد. جمعیتی به نام دانشکده تشکیل داد و مجله یی به نام دانشکده منتشر کرد که یک سال پیش دوام نیاورد. چند بار نماینده شد. بهار توانسته است الفاظ عامیانه و ساده را در میان لغات و ترکیبات جا افتاده و کهنه سبک خراسانی و عراقی وارد کند.

ایرج نوه پسری فتحعلی شاه در 1291ه.ق. در تبریز زاده شد. عربی و فارسی را در تبریز آموخت در دارالفنون تبریز که شعبه تهران بود، زبان فرانسه را فرا گرفت. با قوام السلطنه به اروپا رفت. مدتی مترجم مستشاران بلژیکی بود. اثر ایرج دیوان اوست که کمتر از چهار هزار بیت دارد. شعرش ساده و روان است. ایرج در نثر هم کار کرده، نامه هایی از او در دست است که مهارت او را نشان می دهد.

سید محمد رضا معروف به عشقی در 1312ه.ق. در همدان به دنیا آمد. زبان فارسی و فرانسه را آموخت. در تهران نیش قلم خود را متوجه و شوق الدوله نخست وزیر ایران کرد که قرارداد 1919 را منعقد کرده بود. عشقی آثار منظوم و منشور دارد. اپرای رستاخیز شهرياران ایران تصویری خیالی از عظمت ایران باستان است، سه تابلوی مریم یکی دیگر از منظومه های اوست.

محمد فرزند ابراهیم متخلص به فرخی در 1306ه.ق. در یزد به دنیا آمد. تا پانزده سالگی در مدرسه انگلیسی های تهران تحصیل کرد و فارسی و مقدمات عربی را آموخت. در جوانی به آزادی خواهان

پیوست. به مناسبت شعری که در ستایش آزادی گفته بود، به دستور حاکم یزد لبهایش را دوختند. به نمایندگی مجلس انتخاب شد و دست به خودکشی زد. در 1318ش در زندان به طرز فجیعی کشته شد. فرخی در غزل سیاسی سرآمد همه معاصران خویش است. این مضمون در اشعار او زیاد است که انسان یا نباید از آزادی سخن به میان آورد یا از جان نباید اندیشه کند.

علی اسفندیاری متخلص به نیما یوشیج فرزند ابراهیم نوری، اعظام السلطنه، در سال 1315ه.ق. برابر 1274ش در روستای یوش از توابع نور مازندران به دنیا آمد. این نوع زندگی در افسانه به روشنی دیده می شود. بعد به تهران آمد و در مدرسه سن لوئی ادبیات و زبان فارسی و نقاشی آموخت. نظام وفا از شاعران سنت گرا او را به شعر و شاعری تشویق کرد. آشنا شدن او با زبان فرانسه او را با قلمرو شعر جدید هم آشنا کرد. در سال 1300ش نام خود را به نیما یوشیج تغییر داد. نیما نام یکی از سپهبدان طبرستان بود و یوش هم نام زادگاه اوست. سلسله مقالاتی به نام ارزش احساسات فراهم کرد. نیما در افسانه که در بحر رمل (فاعلاتن فعولن فعولن) است، نخستین انحراف خود از اسلوب اندیشه و بیان دیرینه شعر هزارساله نشان می دهد. نیما در 1338ش بر اثر ذات الریه درگذشت. آثار نیما عبارتند از افسانه، خانواده سرباز، ماخ اول، مانلی و از آثار منشور او می توان از حرفهای همسایه، ارزش احساسات و پنج مقاله دیگر نام برد.

مهدی اخوان ثالث یا به اختصار م. امید در 1307ه.ش در مشهد به دنیا آمد. اوّلین سروده او در زمینه یکتا پرستی و توحید بود، کتاب مسالم المحسنین عبدالرحیم طالبوف جایزه آن بود. در انجمن ادبی خراسان عضو شد و تخلص "امید" را یکی از شاعران خراسان برای او انتخاب کرده است. اخوان با آنکه در سرودن شعر به شیوه کهن استاد بود. اخوان می کوشید پیوند میان شعر نیمایی و شعر کهن را نشان دهد. دو کتاب بدعتها و بدایع نیما یوشیج و عطا و لقای نیما یوشیج کوششی در این زمینه بود. آنچه زبان اخوان را از شیوه دیگر نوپردازان جدا می کند، زبان استوار و حماسی اوست. مجموعه اشعار اخوان عبارتند از: ارغنون، زمستان، آخر شاهنامه، از دین اوستا، در حیاط کوچک پاییز در زندان، زندگی می گوید و اکثر آثار منظوم او مقدمه ها و موخره هایی به نثر شیوا دارند.